فرهاد نظری، ذات‌الله نیک‌زاد

کتابهٔ مسجد جامع دهلی[1]

گورکانیان، مهم‌ترین سلسلهٔ مسلمان در هند، با صفویان در ایران همعصر بودند. در دورهٔ حومت ایشان، روابط ایران و هند گاه روشن و گاه تیره بود. زبان و خط رسمی هند و دربار گورکانیان فارسی بود و بیشتر متون و کتیبه‌های این دوره به فارسی است. نمونهٔ آن کتابهٔ مسجد جامع دهلی است. جامع دهلی بزرگ‌ترین مسجد هند است و در زمان پادشاهی شاه‌جهان ساخته شد. این مسجد چند کتابه (کتیبه) دارد. درازترین آنها کتابه‌ای است به زبان فارسی و به خط ثلث بر پیشانی شبستان مسجد. این کتابه را در ده قاب مستطیل به رنگ سیاه بر زمینهٔ سنگ سفید نوشته‌اند. موضوع آن احداث مسجد است؛ با این موضوعات: مدح بانی، وصف مسجد، تاریخ ساخت، دعا برای پایداری مسجد و دولت پادشاه، نام کاتب. موضوع کتابه‌های دیگر این مسجد ذکر پرودگار و آیاتی از قرآن است.

شکرشکن شوند همه طوطیان هند
زین قند پارسی که به بنگاله می‌رود
حافظ

گورکانیان یا تیموریان هند(۹۳۲-۱۲۷۴ق/۱۵۲۶-۱۸۵۷م) در بیشتر مدت حکومتشان همعصر صفویان بودند. در زمان آنان، هنر و ادبیات رونق گرفت و سرزمین هندوستان آبادان شد. زبان رایج دربار این سلسلهٔ مسلمان فارسی بود؛ اگر چه نسب آنان به مغولان می‌رسید. هند در دورهٔ آنان گاه با ایران مراوده و دوستی داشت و گاه رقابت و ستیز؛ اما در هر صورت، نوازش‌های کریمانهٔ امیران گورکانی به اهل هنر و ادب ایران‌زمین می‌رسید؛ و همین سبب شد که بسیاری از صوفیان و سخنوران و صنعتگران و هنرمندان ایرانی روانهٔ دربار گورکانیان شوند. اشتیاق و حمایت آنان از زبان فارسی منجر به پدیدآمدن سبک هندی در ادبیات و رونق و شکفتگی هنرهای دیگر شد. ظهور امیرخسرو، امیرحسن، و بیدل در شعر و امانت‌خان شیرازی (خطاط کتیبه‌های تاج‌محل) در خوشنویسی از شواهد بی‌شمار این امر است.[2]

دهلی (شاه‌جهان‌آباد) پایتخت این سلسله بود و یادگارهای نفیسی از آن عصر در آن باقی است؛[3] از جمله: منار قطب، لعل‌قلعه ، مقبرهٔ همایون، مسجد جامع، و چندی دیگر. مسجد جامع از آثار متعدد معماری شاه‌جهان (حک ۱۰۳۶-۱۰۶۸ق/ ۱۶۲۷-۱۶۵۸م)، پنجمین پادشاه این سلسله، است.[4]

مسجد جامع دهلی

مسجد جامع دهلی یا مسجد شاه‌جهانی، بزرگ‌ترین مسجد شبه‌قاره و از مهم‌ترین مساجد تاریخی جهان اسلام، از سنگ سرخ بر بلندای پشته‌ای مشرف بر شهر دهلی ساخته شده است. امیر خسرو دهلوی (۶۵۱ق/ ۱۲۵۳م)، شاعر نام‌آور پارسی‌گوی هند که مدت‌ها پیش از گورکانیان می‌زیست، مثنوی‌ای در «صفت مسجد جامع» دهلی سروده است، که البته مقصود او مسجد شاه‌جهانی نیست. جالب اینکه مسجدی که او وصف کرده به مسجد جامع شاه‌جهانی شباهت بسیار دارد.[5] اینکه آیا مسجد شاه‌جهانی را بر جای مسجد قدیم و بر الگوی آن ساختند نیاز به بررسی بیشتر دارد.

این مسجد صحنی وسیع دارد و رواقی پیرامون

آن گشته و درون و بیرون مسجد را به هم پیوسته است. مسجد بر طرح چهارایوانی برآمده و سه مدخل در ضلع شمالی و شرقی و جنوبی دارد؛ و مدخل اصلی در ضلع شرقی است. این سردر روبه‌روی لعل‌قلعه (قلعهٔ سرخ) واقع شده و رفیع‌تر از سردرهای دیگر است.

مقصوره و شبستان اصلی مسجد در جانب غربی صحن (جهت قبله) واقع است. نمای این بخش در امتداد سطح رواق پیرامونی نیست و به سمت صحن پیش آمده است. این بخش، گنبدی در مرکز و دو گنبد کوچک‌تر در طرفین دارد و کف آن بالاتر از کف صحن است. پیش از ورودی این قسمت، گنبدی به قامت یک مرد، نشسته بر چهار ستون سنگی، قرار دارد. در دو گوشهٔ شبستان، دو منارهٔ بلند ایستاده است.

در چهار گوشهٔ صحن، چهار برج گنبددار مستقر کرده و در مرکز صحن حوض «کوثرسرشت» بزرگی نهاده‌اند. این مسجد، به استناد یکی از معدود کتابه (کتیبه)هایش، در ۱۰۶۶ق ساخته شده است. طولانی‌ترین کتابهٔ مسجد کتابه‌ای است به خط ثلث و از معرق سنگ، در ده قاب مستقل بر پیشانی نمای اصلی صحن (نمای سمت قبله)، در طرفین ایوان. هر قاب شامل هشت سطر، مجموعاً در هشتاد سطر، است. کتابه از سنگ سیاه بر زمینهٔ سفید حک شده است. زبان آن فارسی، موضوع آن شرح ساخت مسجد، و کاتب آن نورالله احمد است.[۶]

کتابه‌ها

کتابهٔ اصلی

بر اساس کتابهٔ اصلی یادشده، بنای مسجد را شاه‌جهان «در روز جمعه دهم شهر شوال سال هزاروشصت هجری،

موافق سال چهارم از دور سیوم جلوس» آغاز کرد. ساختمان مسجد طی شش سال به انجام رسید و مبلغ ده لک[۱] روپیه هزینه برداشت و مقارن یوم عید فطر افتتاح شد.

(۱) لک: واحد شمارش، معادل صدهزار

موضوع و مواد اصلی این کتابه چنین است:

۱) وصف بانی: هشت سطر نخست کتیبه تماماً به وصف و مدح شاه‌جهان اختصاص یافته است.

۲) وصف مسجد: وصف اجزا و عناصر مسجد و تشبیه و تعبیر آن به ارکان و عناصر طبیعت بیشترین سطح کتابه را اشغال کرده است؛ اوصافی از این قبیل: «قبّه فلک‌شأنش از طبقات آسمان گذشته و شرفه طاق سپهرنشانش باوج کیوان پیوسته»، «فروغ شمسه پیش‌طاق جهان‌نمایش روشنی‌بخش مصابیح سموات».

۳) تاریخ ساخت، زمان ساخت، روز گشایش، هزینهٔ ساخت مسجد

۴) دعا برای پایداری مسجد و دولت پادشاه

۵) نام کاتب

نثر کتیبه شبیه به سبک دورهٔ صفویه است؛ پرتکلف و مملو از خیال‌پردازی و تشبیهات اغراق‌آمیز. از بسیاری از این تشبیه‌ها ــ مثلاً «این مسجد کوه‌اساسِ گردون مماس» ــ مطلب دقیقی دربارهٔ مسجد به دست نمی‌آید. بنای مسجد هم، مانند متن کتابه، وسیع و متکلف و پرپیرایه است.

کتابه‌های محراب

۱) کتابهٔ رأس محراب

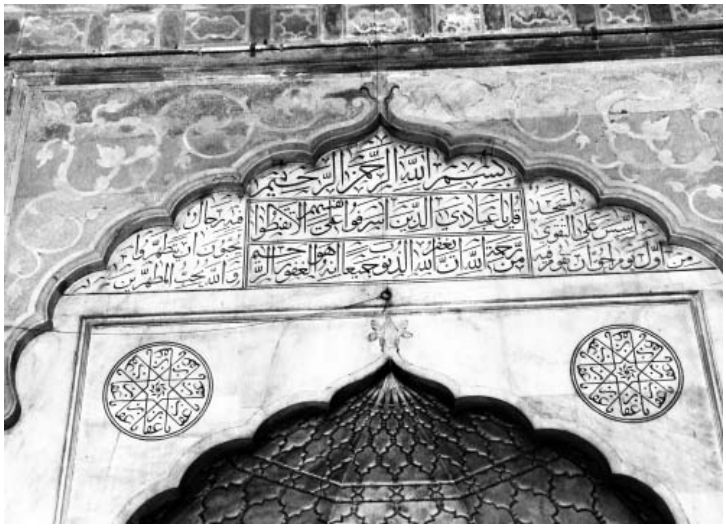

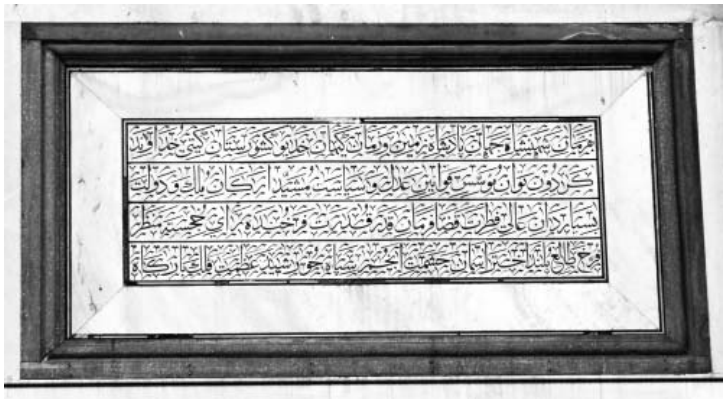

وسط:

﴿ بسم الله الرحمن الرحیم قُل یا عِبادیَ الذین أسرفُوا عَلی انفُسهم لاتقنطُوا مِن رحمة الله اِنّ الله یغفرُ الذُنوبَ جَمیعاً اِنّهُ هوالغَفُور الرحیم ﴾

چپ:

﴿ لَمسجدٌ اُسّسَ عَلی التّقوی مِن اَوّل یوم اَحقّ اَن تقوم فیه ﴾

راست:

﴿ فیهِ رجالٌ یُحِبّونَ اَنْ یتطهّروا وَالله یُحِبُّ المُطّهّرین ﴾[7]

۲) لچکی‌های محراب:

ذکر «یا غفار» در قالب دایره‌ای تحریر شده است. هر دایره از تکرار هشت بار ذکر «یا غفار» پدید آمده است.

۳) کتابهٔ ایوان

لچکی‌های ایوان قِبلی: ذکر «یا هادی» به شکل مستدیر از تکرار هشت «یا هادی» پدید آمده است.

متن کتابهٔ اصلی

[قاب ۱:]

بفرمان شهنشاه جهان، پادشاه زمین و کیهان، خدیو کشورستان گیتی، خداوند/ گردون‌توان، مؤسس قوانین عدل و سیاست، مشیّد[2] ارکان ملک و دولت،/ بسیاردانِ عالی‌فطرت قضافرمان قَدَرقدرتِ فرخندمرای خجسته‌منظر/ فرّخطالع بلنداخترِ آسمان‌حشمت انجم‌سپاه خورشیدعظمتِ فلک‌بارگاه

[قاب ۲:]

مظهر قدرت الهی، مورد کرامت نامُتناهی، مظهر کلمة الله العلیا، مُروّجُ الملة الحنیفیّة البیضا/ ملجأ الملوک و السلاطین، خلیفة الله فی الارضین، الخاقان الأعدلُ الأعظمُ، و القاآنُ الاجلُ الاکرم/ ابوالمظفر شهاب‌الدین محمد صاحب‌قران ثانی، شاه‌جهان پادشاه غازی، لازالت رایات دولته منصورة/ و اعداء حضرته مقهورة، که دیده بصیرت حق‌بینش از شعشعه انوار هدایتِ ﴿ انما یعمر مساجد الله

[قاب ۳:]

مَن امَنَ بالله و الیومِ الاخِر ﴾[8] مستنیرست و آیینه ضمیر صدق‌گزینش از اشعه مشکوة روایت/ ﴿ احب البلاد الی الله مساجدُها ﴾ فروغ‌پذیر، این مسجد کوماساس گردون‌مماس که کریمه/ ﴿ لمسجدٌ اُسّس علی التقوی ﴾[9] بیان بنیان پایدار اوست و بیّنه ﴿ و القی فی الارض رواسی أن تمیدبکم ﴾[10] کتابه ایوان/ استوار او، قمه[3][11] قبه فلک‌شأنش از طبقات آسمان گذشته و شرفه طاق سپهرنشانش باوج کیوان پیوسته/

[قاب ۴:]

گر ز طاق و قبه مقصوره‌اش جویی نشان
هیچ نتوان گفت غیر از کهکشان و آسمان
فرد بودی قبّه گر گردون نبودی ثانیش
طاق بودی طاق اگر جفتش نبودی کهکشان

فروغ شمسه پیش‌طاق جهان‌نماشْ روشنی‌بخش مصابیح سموات، پرتو کَلَس[4][12] گنبدِ/ عالم‌آرایشْ نورافزای قنادیل جنّات، منبر سنگ مرمرش چون صخره مسجد اقصی مرقاتِ

[قاب ۵:]

مَقام ﴿ قاب قَوسین أو أدنی ﴾[13]؛ محراب فیض‌گسترش مانند صبح صادق گشاده پیشانی بشارت‌رسان/ ﴿ و لَقَد جاءهُم من ربّهم الهُدی ﴾[14]؛ ابواب رحمت‌یابش صَلای ﴿ و الله یدعُوا الی دار السّلام ﴾[15]/ بمسامع خاص و عام رسانیده؛ منار سپهرمدارش ندای ﴿ و یَجزی الذینَ أحسنوا بالحُسنی ﴾[16]/ از نُه رواقِ گنبد فیروزه‌فام گذرانیده؛ سقف رفیع باصفایش تماشاگاه روحانیون کره افلاک

[قاب ۶:]

صحن وسیع دلگشایش سجده‌گاه پاکنژادان معموره خاک روح‌فضای فیض‌انتما/ و طیب هوای روح‌افزایش از روضه رضوان

(۲) برافراشته، بلند؛ محکم و استوار

(۳) قبهٔ کوچک روی گنبد

(۴) قبه، گنبد کوچک

حکایت کرده و عذوبت ماء معین/ حوض دلنشین نظافت‌امایش از چشمه سلسبیل خبر داده؛ در روز جمعه دهم شهر شوال/ سال هزاروشست هجری موافق سال چهارم از دور سیوم جلوسِ میمنت‌مأنوس، بساعتِ خجسته

[قاب ۷:]

و طالع شایسته، سرمایه ابتنا و پیرایه تأسیس یافت و در عرض مدت شش سال بحسن سعی/ کارپردازان کاردان کارگزار و فرط اعتنا و اهتمام کارفرمایان صاحب‌اقتدار و بذل جدّ/ و جهدِ استادان ماهر دانشور و وفور کوشش پیشه‌کاران چابکدستِ صاحب‌هنر و انفاق/ مبلغ ده لک روپیه، صورت انجام و طراز اختتام پذیرفت و مقارن اتمام در روز عید فطر،

[قاب ۸:]

بفَرّ قدوم اقدس پادشاه ظل‌الله صافی‌نیّت خدااگاه زیب و زینت گرفت و با قامت نماز عید/ و ادای وظایف اسلام، چون مسجدالحرام در روز عید اضحی مرجع طوایف امام گردید/ و مبانی اسلام و ایمان را متانت و رَضانت کرامت فرمود. سیّاحان ربع مسکون/ و مسالِک‌نوردان کوه و هامون را آراسته‌عمارتی باین رفعت و حصانت در آیینه بصر

[قاب ۹:]

و مرآت خیال مُرتَسَم نگشته؛ و حقایق‌گزاران وقایع دهر و فکرت‌پردازان نظم و نثر را/ که سوانح‌نگاران بدایع ارباب مُلک و دولت و صنایع‌شناسان اصحاب مکنت و قدرتند/ افراخته بنایی باین شکوه و عظمت بر زبان قلم و قلم زبان نگذشته، فرازنده کاخ هستی/ و طرازنده بلندی و پستیْ این بنیان رفیع را، که قرةالعین بینش و زینت‌بخش کارخانه آفرینش است/

[قاب ۱۰:]

پایدار داشته صدای تسبیح مُسبّحانش را هنگامه‌آرای ذاکران مجامع ملکوت و زمزمهٔ/ تهلیل مهلّلانش را نشاط‌افزای معتکفان جوامع جبروت داراد و رؤوس منابر معموره جهان را/ بخطبه دولت جاویدطراز[۵] این پادشاه دادگر دین‌پرور که بمیامنِ ذات مقدس مبارکش ابواب/ امن و امان بر روی روزگار گشاده است آراسته داراد؛ بحق الحق و اهله/ کتبه نورالله احمد

□

کتاب‌نامه

امیرخسرو دهلوی. *قران السعدین*. با پیش‌گفتار احمدحسن دانی. اسلام‌آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۹۷۲.

کُخ، ابا. *معماری هند در دوره گورکانیان*. ترجمهٔ حسین سلطان‌زاده. تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی، ۱۳۷۳.

هولود، رناتا (و.). *اصفهان در مطالعات ایرانی*. تهران: فرهنگستان هنر، ۱۳۸۵.

یارشاطر، احسان. «ادبیات دوره صفوی: پیشرفت یا انحطاط». ترجمهٔ محمدتقی فرامرزی. در: رناتا هولود، *اصفهان در مطالعات ایرانی*، ۲۱۷–۲۶۸.

پی‌نوشت‌ها:

۱. این مقاله حاصل سفر نگارندگان به هند برای شرکت در «سومین کارگاه آموزشی حفاظت و مدیریت آثار تاریخی صفوی، تیموری و گورکانی» است.

۲. برای آگاهی از ادبیات این دوره نک: یارشاطر، «ادبیات دوره صفوی: پیشرفت یا انحطاط»، ۱: ۲۱۷–۲۶۸.

۳. امیر خسرو دهلوی «حضرت دهلی» را در مثنوی *قران السعدین* این گونه وصف کرده است: «حضرت دهلی کنف دین و داد/ جنت عدن است که آباد باد/ هست چو ذات ارم اندر صفات/ حرسها الله عن الحادثات/ [...] از سه حصارش دو جهان یک مقام/ و از دو جهان یک نفسش ده سلام/ [...] قبهٔ اسلام شده در جهان/ بستهٔ او قبهٔ هفت آسمان/ ساکن او جمله بزرگان ملک/ گوشه به گوشه همه ارکان ملک» امیرخسرو دهلوی، *قران السعدین*، ۵۰–۵۳.

۴. برای آگاهی از معماری زمان شاه‌جهان، نک: کُخ، *معماری هند در دوره گورکانیان*، ۹۳–۱۲۴.

۵. نک: امیرخسرو دهلوی، *قران السعدین*، ۵۳–۵۵.

۶. مسجد پادشاهی لاهور با طرحی شبیه به این مسجد در ۱۰۸۴ق بنا شد. بر پیشانی این مسجد، قاب‌هایی شبیه به جامع دهلی منظور شده؛ اما فاقد نوشته است. بر پیشانی سردر این مسجد، کتابه‌ای کوتاه مختصری به این مضمون هست: «لا اله الا الله/ مسجد ابوالمظفر محی‌الدین محمد عالمگیر پادشاه غازی سنه هزاروهشتادوچهار هجری اتمام یافت./ به اهتمام کمترین خانه‌زاد [...]». (متن کتیبه از روی عکس قرائت شد.) عکس‌های مسجد پادشاهی لاهور را دوست گرامی جناب آقای سیدعمادالدین خضرائی در اختیار نگارندگان قرار داد. از ایشان سپاس‌گزاریم.

۷. توبه (۹): ۱۰۸.

۸. توبه (۹): ۱۸. ﴿إِنَّما يَعْمُرُ مَساجِدَ اللهِ مَنْ آمَنَ بِاللهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ أَقامَ الصَّلاةَ وَ آتَى الزَّكاةَ وَ لَمْ يَخْشَ إِلَّا اللهَ فَعَسى أُولئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ﴾ «مساجد خدا را تنها کسانی آباد می‌کنند که به خدا و روز بازپسین ایمان آورده و نماز برپا داشته و زکات داده و جز از خدا نترسیده‌اند؛ پس امید است که اینان از راه‌یافتگان باشند.»

۹. توبه (۹): ۱۰۸. «لا تَقُمْ فيهِ أَبداً لَمَسْجِدٌ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فيهِ فيهِ رِجالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَ اللهُ يُحِبُّ الْمُطَّهِّرِينَ». «هرگز در آن جا مایست؛ چرا که مسجدی که از روز نخستین بر پایه تقوا بنا شده، سزاوارتر است که در آن [به نماز] ایستی. [و] در آن، مردانی‌اند که دوست دارند خود را پاک سازند، و خدا کسانی را که خواهان پاکی‌اند دوست می‌دارد.»

۱۰. لقمان (۳۱): ۱۰.

۱۱. دهخدا یکی از معانی قِمَه را «کلس که بر سر گنبد نهند» ذکر کرده و در حاشیه نوشته است که «معنی اخیر در کتب معتبر لغت دیده نشد».

۱۲. «کلس. [کَ لَ] در هندی قبه را گویند که بر گنبد عماری و بروج و مساجد و کنگره‌های عمارات نصب کنند. (غیاث).» *لغت‌نامه* دهخدا، ذیل «کلس».

۱۳. نجم (۵۳): ۹.

۱۴. نجم (۵۳): ۲۳.

۱۵. یونس (۱۰): ۲۵.

۱۶. نجم (۵۳): ۳۱.